

البته آیات دیگری را نیز برای این موضوع ذکر کرده‌اند که در صراحت و ظهور به پایه آیات فوق نمی‌رسد، تنها مطلبی که در آیات برزخ باید مورد توجه قرار گیرد این است که بجز آیه مورد بحث که مسأله برزخ را به طور کلی بیان کرده، بقیه آنها مسأله را به صورت خصوصی مثلاً در مورد «شهداء» یا «آل فرعون» طرح می‌کند.

ولی روشن است که نه آل فرعون خصوصیتی دارند، که همانند آنها در جهان بسیار بوده، و نه شهیدان چرا که قرآن مجید گروهی از صالحان و خاصان راهم‌طراز آنها شمرده، در آیه ۶۹ سوره نساء پیامبران و صدیقان و شهداء و صالحان را در کنار هم قرار می‌دهد فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین. درباره عمومی بودن یا نبودن برزخ سخنی داریم که در پایان این بحث

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۱۷

به خواست خدا خواهد آمد.

و اما از نظر روایات - در کتب معروف شیعه و اهل تسنن روایات فراوانی است که باتعبیرات مختلف و کاملاً متفاوت از جهان برزخ و عالم قبر و ارواح و خلاصه جهانی که میان این عالم و عالم آخرت قرار دارد سخن می‌گوید:

۱- در حدیث معروفی که در کلمات قصار در نهج البلاغه آمده است می‌خوانیم که علی (علیه السلام) هنگام مراجعت از جنگ صفین وقتی که نزدیک کوفه کنار قبرستانی که بیرون دروازه قرار داشت رسید، رو به سوی قبرها کرد و چنین گفت: یا اهل الدیار الموحشة و المحال المقفرة و القبور المظلمة! یا اهل التربة! یا اهل الغربه! یا اهل الوحده! یا اهل الوحشة! انتم لنا فرط سابق و نحن لکم تبع لا حق، اما الدور فقد سکنت، و اما الازواج فقد نکحت و اما الاموال فقد قسمت، هذا خبر ما عندنا فما خبر ما عندکم؟

ثم التفتت الی اصحابه فقال: اما لو اذن لهم فی الکلام لاخبروکم ان خیر الزاد التقوی:

«ای ساکنان خانه‌های وحشتناک و مکانهای خالی و قبرهای تاریک! ای خاک‌نشینان! ای غریبان! ای تنهائیان! ای وحشزدگان! شما در این راه بر

ماپیشی گرفتید و ما نیز به شما ملحق خواهیم شد، اگر از اخبار دنیا بپرسید به شمامی‌گوییم خانه‌هایتان را دیگران ساکن شدند، همسرانتان به نکاح دیگران درآمدند، و اموالتان تقسیم شد، اینها خبرهائی است که نزد ما است نزد شما چه خبر؟!

سپس رو به یارانش کرد و فرمود: اگر به آنها اجازه سخن گفتن داده شود حتماً به شما خبر می‌دهند که بهترین زاد و توشه برای این سفر پرهیزکاری است)).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۱۸

روشن است که تمام این تعبیرات را بر مجاز و کنایه نمی‌توان حمل کرد، بلکه همه آنها خبر از این واقعیت می‌دهد که انسان بعد از مرگ دارای یکنوع حیات برزخی است می‌فهمد و درک می‌کند و اگر اجازه سخن گفتن داشته باشد سخن هم می‌گوید.

۲- در حدیث دیگری از اصبع بن نباته از علی (علیه‌السلام) می‌خوانیم که روزی حضرت از کوفه خارج شد و به نزدیک سرزمین «غری» (نجف) آمد و از آن گذشت اصبع می‌گوید: ما به او رسیدیم در حالی که دیدیم روی زمین دراز کشیده‌است قنبر گفت: ای امیر مؤمنان اجازه نمی‌دهی عبایم را زیر پای شما پهن کنم؟ فرمود: نه اینجا سرزمینی است که خاکهای مؤمنان در آن قرار دارد و یا این کار تومزاحمتی برای آنها است.

اصبع می‌گوید: عرض کردم خاک مؤمن را فهمیدم چیست؟ اما مزاحمت آنها چه معنی دارد؟

فرمود: یا بن نباته لو کشف لکم لرایتم ارواح المؤمنین فی هذا الظهر حلقاً، یترأون و یتحدثون، ان فی هذا الظهر روح کل مؤمن و بوادی برهوت نسمة کل کافر: «ای فرزند نباته اگر پرده از مقابل چشم شما برداشته شود ارواح مؤمنان رامی‌بینید که در اینجا حلقه حلقه نشسته‌اند و یکدیگر را ملاقات می‌کنند و سخن می‌گویند اینجا جایگاه مؤمنان است و در وادی برهوت ارواح کافران.

۳- در حدیث دیگری از امام علی بن الحسین (علیهما‌السلام) می‌خوانیم: ان القبر اما روضة من ریاض الجنة، او حفرة من حفر النار! «قبر باغی است از باغهای بهشت یا گودالی از گودالهای جهنم»!.

۴ - در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: که فرمود: البرزخ القبر، و هو الشّواب و العقاب بین الدنیا و الآخرة... و الله ما نخاف علیکم الا البرزخ: «برزخ همان عالم قبر است که پاداش و کیفر میان دنیا و آخرت است، به خدا ما بر شما نمی ترسیم مگر از برزخ»!.

۵ - در حدیث دیگری که در کتاب کافی نقل شده است بعد از ذکر این جمله می خوانیم راوی از امام سؤال کرد و ما البرزخ (برزخ چیست) امام فرمود: القبر منذ حین موته الی یوم القيامة (قبر از زمان مرگ تا روز قیامت ادامه دارد).

۶ - در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که شخصی خدمتش عرض کرد: جمعی نقل می کنند که ارواح مؤمنان بعد از مرگ در سینه پرنده‌گان سبز رنگی قرار می گیرند که اطراف عرش الهی می گردند؟! امام فرمود: لا، المؤمن اكرم على الله من ان يجعل روحه فی حوصلة طیر و لكن فی ابدان کابدانهم: «چنین نیست، مؤمن نزد خدا گرامیتر از این است که روح او را در سینه پرنده‌ای محبوس کند، بلکه ارواح مؤمنین در بدنهایی همانند بدنهایشان قرار دارد».

این حدیث اشاره به قالب مثالی است که از جهاتی شباهت به این بدن مادی دارد ولی دارای یکنوع تجرد برزخی است.

۷ - باز در حدیث دیگری که در کتاب «کافی» نقل شده از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که در مورد ارواح مؤمنین از حضرتش سؤال کردند فرمود: فی حجرات فی الجنة یا کلون من طعامها و یشربون من شرابها و یقولون ربنا اقم لنا

الساعة و انجز لنا ما وعدتنا: «آنها در حجره‌هایی از بهشت قرار دارند، از غذاهای بهشتی می خورند، و از نوشیدنیهایش می نوشند، و می گویند پروردگارا! هر چه زودتر قیامت را بر پا کن و به وعده‌هایی که به ما داده‌ای وفا فرما».

۸ - در حدیث دیگری در همان کتاب از همان امام بزرگوار آمده است:

هنگامی که یکی از مؤمنان از دنیا می‌رود، ارواح مؤمنین او را احاطه می‌کنند و از کسانی که در دنیا بوده‌اند و زنده‌اند یا مرده‌اند جستجو می‌کنند، اگر بگویند فلانکس از دنیا رفته‌اما او را نزد خود حاضر نمی‌بینند می‌گویند: حتما سقوط کرده (یعنی در دوزخ قرار گرفته!).

پیدا است که منظور از بهشت و جهنم در روایات فوق، بهشت و دوزخ برزخی است نه عالم قیامت که این دو با هم فرق بسیار دارند.

خلاصه روایات در این زمینه بسیار زیاد است و در ابواب مختلف جمع‌آوری شده‌است که به قسمتی از ابواب آن اشاره می‌کنیم:

روایات فراوانی که سخن از سؤال و فشار و عذاب قبر می‌گویند.

روایاتی که از تماس ارواح با خانواده خود و مشاهده وضع حال آنها بحث می‌کند.

روایاتی که از حوادث شب معراج و تماس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با ارواح انبیا و پیامبران سخن می‌گویند.

روایاتی که می‌گویند: نتیجه کارهای نیک یا بدی که انسان در این جهان انجام داده بعد از مرگ به او می‌رسد... و مانند آن.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۲۱

برزخ و ارتباط با عالم ارواح - گر چه بسیاری از کسانی که دعوی ارتباط با عالم ارواح دارند دروغ می‌گویند، یا گرفتار تخیل و پندارند، ولی طبق تحقیقاتی که انجام شده است این امر به اثبات رسیده که ارتباط با عالم ارواح امکان پذیر است، و این امر برای جمعی از آگاهان، به تجربه رسیده است که در تماس با ارواح حقایقی را درک کرده‌اند.

این امر خود دلیل روشنی بر اثبات جهان برزخ و واقعیت آن است، و نشان می‌دهد که بعد از عالم دنیا و مرگ جسم، و قبل از قیام آخرت، جهان دیگری وجود دارد.

همچنین دلائل عقلی که برای اثبات تجرد روح و بقای آن بعد از فناء جسم در دست داریم خود دلیل دیگری بر اثبات جهان برزخ است (دقت کنید).

#### ترسیمی از عالم برزخ

اگر از شاخ و برگها صرف نظر کنیم در میان علمای اسلام در مورد مسأله برزخ و عذاب و نعمت در این عالم اتفاق نظر وجود دارد و علمای شیعه و اهل

سنت در این امر متفقند، جز اندکی که قابل ملاحظه نیستند. دلیل این اتفاق نظر نیز روشن است زیرا وجود جهان برزخ و نعمت و عذاب آن همانگونه که گفتیم صریحا در آیات قرآن مجید آمده است. در مورد شهیدان قرآن با صراحت می گوید: نباید تصور کرد که آنها مردگانند آنها زنده اند و نزد پروردگارشان نعمت و روزی می گیرند و از آنچه خدا به آنها داده است خوشحالند و حتی به بازماندگان بشارت می دهند که آنها غم و اندوهی ندارند (آل عمران آیه ۱۶۹).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۲۲

نه تنها این دسته از نیکوکاران متنعمند بلکه گروهی از بدترین طاغیان و مجرمان نیز در عذابند چنانکه درباره معذب بودن آل فرعون بعد از مرگ و قبل از قیام قیامت، قبلا اشاره کردیم (سوره غافر آیه ۴۶). و روایات نیز چنانکه دانستیم در منابع اسلامی در حد تواتر است. بنابراین اصل وجود عالم برزخ جای بحث نیست، مهم آن است که بدانیم زندگی برزخی چگونه است که در اینجا تصویرهای مختلفی ذکر شده است که روشنترین آنها آن است که روح انسان بعد از پایان زندگی این جهان در اجساد لطیفی قرار می گیرد که از بسیاری از عوارض این ماده کثیف برکنار است و چون از هر نظر شبیه این جسم است، به آن «قالب مثالی» یا «بدن مثالی» می گویند که نه به کلی مجرد است، و نه مادی محض، بلکه دارای یکنوع «تجرببرزخی» است.

بعضی از محققان آن را تشبیه به وضع روح در حالت خواب کرده اند که در آن حال ممکن است با مشاهده نعمتهائی برآستی لذت ببرد و یا بر اثر دیدن مناظر هولناک معذب و متالم شود آنچنان که گاه واکنش آن در همین بدن نیز ظاهر می شود، و به هنگام دیدن خواب های هولناک، فریاد می کشد، نعره می زند، پیچ و تاب می خورد، بدن او غرق عرق می شود.

حتی بعضی معتقدند که در حال خواب به راستی روح با قالب مثالی فعالیت می کند و حتی بالاتر از آن معتقدند که ارواح قویه در حال بیداری نیز می توانند همان تجرد برزخی را نیز پیدا کند، یعنی از جسم جدا شده و با همین قالب مثالی به میل خود، و یا از طریق خوابهای مغناطیسی در جهان سیر کند و از مسائلی باخبر گردد.

بلکه بعضی تصریح می کنند که قالب مثالی در باطن بدن هر انسانی هست، منتها به هنگام مرگ و آغاز زندگی برزخی جدا می شود و گاه در همین زندگی مادی دنیا نیز امکان جدائی - چنانکه گفتیم - برای او حاصل می شود.

حال اگر تمام این مشخصات را برای قالب مثالی نپذیریم اصل مطلب رانمی توان انکار کرد چرا که در روایات بسیاری به آن اشاره شده و از نظر دلیل عقل نیز هیچگونه مانعی ندارد.

ضمناً از آنچه گفتیم پاسخ این ایراد روشن شد که بعضی می گویند: اعتقاد به جسد مثالی مستلزم اعتقاد به مسأله تناسخ است، چرا که تناسخ چیزی جز این نیست که روح واحد منتقل به جسمهای متعدد گردد.

جواب این ایراد را مرحوم «شیخ بهائی» به طرز روشنی بیان کرده است، اومی گوید: تناسخی که همه مسلمانان اتفاق بر بطلان آن دارند این است که روح بعد از ویرانی این بدن به بدن دیگری در همین عالم بازگردد، اما تعلق روح به بدن مثالی در «جهان برزخ» تا قیام قیامت که باز به بدنهای نخستین به فرمان خدا بر می گردد هیچگونه ارتباطی به تناسخ ندارد، و اگر می بینید ماتناسخ را شدیداً انکار کرده و معتقدان آن را تکفیر می کنیم به خاطر آن است که آنها قائل به ازلی بودن ارواح و انتقال دائمی آنها از بدنی به بدن دیگرند و معاد جسمانی را در جهان دیگر به کلی منکرند.

و اگر همانطور که بعضی گفته اند قالب مثالی در باطن همین بدن مادی باشد پناسخ مسأله تناسخ روشنتر می شود، زیرا روح از قالب خود به قالب دیگری منتقل نشده بلکه بعضی از قالبهای خود را رها ساخته و با دیگری ادامه حیات برزخی داده است.

سؤال دیگر که در اینجا باقی می ماند این است که از بعضی آیات قرآن استفاده می شود که گروهی از مردم دارای عالم برزخ نیستند، چنانکه در آیه ۵۵ و ۵۶ سوره روم می خوانیم: «گروهی از مجرمان بعد از بر پا شدن قیامت سوگند یاد می کنند که ساعتی بیشتر در جهان برزخ نبودند ولی بزودی

مؤمنان آگاه به آنها می‌گویند شما به فرمان خدا مدتی طولانی تا روز قیامت، مکث کرده‌اید و هم اکنون روز قیامت است».

پاسخ این ایراد در روایات متعددی چنین داده شده است: مردم سه گروهند: گروهی مؤمنان خالص، گروهی کافران خالص، و گروهی متوسط و مستضعفند.

جهان برزخ مخصوص گروه اول و دوم است اما گروه سوم در یکنوع حالت بیخبری، عالم برزخ را طی می‌کنند (برای اطلاع بیشتر از این روایات به جلد ۶ بحار الانوار بحث احوال برزخ و قبر مراجعه شود).

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۲۵

آیه ۱۰۱ - ۱۰۴

آیه و ترجمه

فاذا نفخ فی الصور فلا ۛنساب بینهم یومئذ و لا یتساءلون ۱۰۱

فمن ثقلت موازینہ فاولئک هم المفلحون ۱۰۲

و من خفت موازینہ فاولئک الذین خسروا ۛنفسهم فی جهنم خالدون ۱۰۳

تلفح وجوههم النار و هم فیها کالحوون ۱۰۴

ترجمه :

۱۰۱ - هنگامی که در صور دمیده شود هیچگونه نسبی میان آنها نخواهد بود، و از یکدیگر تقاضای کمک نمی‌کنند (چون کاری از کسی ساخته نیست).

۱۰۲ - کسانی که ترازوهای (سنجش اعمال) آنها سنگین است آنان رستگارانند.

۱۰۳ - و آنها که ترازوهای عملشان سبک می‌باشد کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده در جهنم جاودانه خواهند ماند.

۱۰۴ - شعله‌های سوزان آتش همچون شمشیر به صورت‌هایشان نواخته می‌شود و در دوزخ چهره‌ای در هم کشیده دارند.

تفسیر:

گوشه‌ای از مجازات بدکاران

در آیات گذشته چنانکه دیدیم سخن از جهان برزخ در میان بود، و به دنبال آن در آیات مورد بحث سخن از قیامت و قسمتی از حالات مجرمان در آن جهان است.

---

نخست چنین می‌گوید: «هنگامی که در صور دمیده شود هیچگونه نسبی درمیان آنها نخواهد بود و از یکدیگر سؤال نمی‌کنند» (فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم یومئذ و لایتسائلون).

می‌دانیم طبق آیات قرآن دو بار «نفخ صور» می‌شود: یکبار به هنگام پایان گرفتن این جهان، و پس از نفخ صور تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند می‌میرند و مرگ سراسر عالم را فرا خواهد گرفت، پس از نفخ دوم، رستاخیزمردگان آغاز می‌گردد و انسانها به حیات نوین باز می‌گردند، و آماده حساب و جزامی شوند.

«نفخ صور» به معنی دمیدن در شیپور است، ولی این تعبیر تفسیر و مفهوم خاصی دارد که به خواست خدا شرح آن را در ذیل آیه ۶۸ سوره «زمر»، بیان خواهیم کرد.

به هر حال در آیه فوق به دو قسمت از پدیده‌های قیامت اشاره شده: یکی از کارافتادن نسبها است، زیرا رابطه خویشاوندی و قبیله‌ای که حاکم بر نظام زندگی مردم این جهان است سبب می‌شود که افراد مجرم از بسیاری از مجازاتها فرار کنند، و یا در حل مشکلاتشان از خویشاوندان کمک گیرند، اما در قیامت انسان است و اعمالش، و هیچکس نمی‌تواند حتی از برادر و فرزند و پدرش دفاع کند و یا مجازات او را به جان بخرد.

دیگر اینکه: آنها چنان در وحشت فرو می‌روند که از شدت ترس حساب و کیفر الهی از حال یکدیگر به هیچوجه سؤال نمی‌کنند، آن روز روزی است که مادر از کودک شیرخوارش غافل می‌شود، و برادر، برادر خود را فراموش می‌کند مردم همچون مستان به نظر می‌رسند ولی مست نیستند، عذاب خدا شدید است!

چنانکه در آغاز سوره حج خواندیم: یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما أرضعت وتضع کل ذات حمل حملها و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری

و لکن عذاب الله شدید.

این احتمال در تفسیر جمله «و لایتسائلون» نیز وجود دارد که منظور این است که از یکدیگر تقاضای کمک نمی‌کنند، زیرا می‌دانند این تقاضا به هیچوجه



مفید و مؤثر نیست.

بعضی از مفسران نیز گفته‌اند که منظور از نفی سؤال آن است که از نسب هم نمی‌پرسند، و تاء کیدی است بر جمله «فلا انساب بینهم».

البته تفسیر اول از همه روشنتر به نظر می‌رسد هر چند منافاتی در میان آنها وجود ندارد و ممکن است جمله فوق اشاره به همه این معانی باشد.

در اینجا سؤال معروفی در کلمات مفسران مطرح شده و آن اینکه از پاره‌ای از آیات قرآن بخوبی استفاده می‌شود که در روز قیامت مردم از یکدیگر سؤال می‌کنند، مانند آیه ۲۷ سوره صافات که در مورد مجرمان به هنگامی که در آستانه دوزخ قرار می‌گیرند می‌گوید: و اقبل بعضهم علی بعض یتسائلون: «آنها رو به یکدیگر نموده و سؤالهای (سرزنش آمیز) از یکدیگر می‌کنند».

و در همان سوره آیه ۵۰ از بهشتیان سخن می‌گوید که به هنگام استقرار در بهشت رو به سوی یکدیگر می‌کنند و از هم (درباره یارانی که در دنیا داشتند و بر اثر انحراف از جاده حق به دوزخ رفتند) سؤال می‌کنند (فاقبل بعضهم علی بعض یتسائلون).

نظیر این معنی در آیه ۲۵ سوره طور نیز آمده، اکنون سؤال این است که این آیات چگونه با آیه مورد بحث که می‌گوید در قیامت سؤال از یکدیگر نمی‌کنند سازگار می‌باشد؟.

ولی کمی دقت در مضمون آیات فوق که نقل کردیم پاسخ این سؤال را روشن می‌سازد، زیرا آیات مربوط به اثبات سؤال از یکدیگر بعد از استقرار در بهشت یادآور آستانه جهنم است، در حالی که نفی سؤال از یکدیگر مربوط به مراحل

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۲۸

نخستین رستاخیز است که هول و اضطراب و وحشت آنقدر آنها را پیشان می‌کند که یکدیگر را به کلی فراموش می‌کنند.

و به تعبیر دیگر قیامت موافقی دارد و در هر موقف برنامه‌ای است و گاه عدم توجه به تعدد مواقف منشاء سؤالاتی از قبیل آنچه در بالا گذشت می‌گردد.

بعد از قیام قیامت، نخستین مساءله، مساءله سنجش اعمال است با میزان مخصوصی که در آن روز برای این کار تعیین شده، گروهی اعمال پروزنی دارند که ترازوی اعمال را سنگین می‌کند، درباره این گروه

می فرماید: «کسانی که ترازوهایشان سنگین است آنها رستگارانند» (فمن ثقلت موازینہ فاولئک هم المفلحون).

«موازن» جمع «میزان» به معنی وسیله سنجش وزن است، و چنانکه قبلاً بطور مشروح گفته ایم منظور از میزان سنجش اعمال یک ترازوی ظاهری دو کفه و مانند آن که برای سنجش وزن اجسام به کار می رود نیست، بلکه منظور وسیله مناسبی است که ارزش اعمال آدمی را با آن می سنجند، و به تعبیر دیگر میزان مفهوم وسیعی دارد که همه وسائل سنجش را شامل می شود، و بطوری که از روایات مختلف برمی آید میزان سنجش اعمال انسانها و حتی خود انسانها در آن روز پیشوایان بزرگ و انسانهای نمونه اند.

بعدها

فرست

قبل